

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۰۵/۱۲

۸۷/۱/۱۰۵۳۰۹  
۸۷/۱۲۲۰

## عنوان پایان نامه

غزالی و ستیز با فلسفه  
بررسی اسباب مخالفت غزالی با فلسفه و فیلسوفان

نگارش: منیره صحرائیان

استاد راهنما: دکتر پورحسن

استاد مشاور: دکتر طاهری



پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد  
در رشته: فلسفه و کلام اسلامی

۱۳۸۷ / ۸ / ۲۵

ماه و سال دفاع

۲۹ تیر ماه ۱۳۸۷

۱۰۵۵۱۳

فرم گرده آوری اطلاعات پایان نامه‌ها  
کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی

عنوان: غزالی و ستیز با فلسفه

نویسنده / محقق: منیره صحرائیان

مترجم: —

استاد راهنما: دکتر قاسم پورحسن

استاد مشاور / استاد داور: دکتر طاهری / دکتر نکیان

کتابنامه:

واژه نامه:

کاربردی

توسعه‌ای

بنیادی

نوع پایان نامه:

سال تحصیلی: ۱۳۸۷

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

نام دانشگاه: علامه طباطبائی

محل تحصیل: تهران

دانشکده: ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی

گروه آموزشی: فلسفه و کلام اسلامی

تعداد صفحات: ۱۲۰

کلید واژه‌ها به زبان فارسی: معتزله، عقل، دین، تناقض، حدوث، قدم

کلید واژه‌ها به زبان انگلیسی:

## چکیده

### الف. موضوع و طرح مسئله (اهمیت موضوع و هدف):

هدف از طرح این مسئله بررسی علل مخالفت‌های متکلمین با فلسفه است، که متکلمین بر اساس موضع ظاهرگرایی خویش مواضع مختلفی را در برابر کسانی که - به زعم ایشان - سعی در آلوده کردن ساخت دین با وارد کردن مباحث عقلی دارند، اتخاذ می‌کنند لذا با به طور عام متکلمین و به طور خاص انگیزه‌های خاص غزالی را مورد بررسی قرار می‌دهیم. این موضوع از این جهت اهمیت دارد که غزالی شخصیتی است که در تمام کتب فلسفی به عنوان فیلسوف مطرح شده و حتی در طول زمان خویش به تدریس فلسفه پرداخته لذا به دیدگاه معرفت‌شناسی باید دید چه انگیزه‌هایی او را در مقابل فلاسفه قرار داده و در صدد رفع تناقض گوئیهای ایشان پرداخته است.

### ب. مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع، چارچوب نظری و پرسشها و فرضیه‌ها:

برای تألیف این رساله تمامی آثار غزالی مورد مطالعه قرار گرفته و آثار متکلمینی که در این رساله از ایشان نام برده شده نیز مورد مطالعه و استفاده قرار گرفته و مقایسه بین آراء غزالی و دیگر متکلمین ظاهر گرا نیز انجام شده و اینکه غزالی تا چه اندازه در بیان آراء تحت تأثیر متکلمین قبل از فوت بوده و میزان تأثیرگذاری او در بعد نگرش جدید به دین تا چه میزان بوده است.

### پ. روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم، روش تحقیق، جامعه مورد تحقیق، نمونه‌گیری و روشهای نمونه‌گیری، ابزار اندازه‌گیری، نحوه اجرای آن، شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها:

در تهیه این رساله سعی شده خود کتاب تهافت الفلاسفه مورد مطالعه قرار گیرد و تمامی منابع انتقادی (اعم از کتب و مقالات) که بر نظریات او در تهافت الفلاسفه وارد شده نیز بررسی شود. همین طور نظریات متکلمین یاد شده در رساله و همچنین اوضاع سیاسی و اجتماعی حاکم بر عصر غزالی و موقعیت غزالی در این وضعیت ناپسامان اجتماعی و سیاسی بررسی شود و بعد از مطالعات کتب مختلف به فصل بندی پرداخته شده و با شیوه توصیفی و انتقادی نگارش شده است.

### ت. یافته‌های تحقیق:

بعد از بررسی آراء غزالی با توجه به شرایط بند پ، می‌توان از مهمترین دلایل مخالفت غزالی و ستیز او با فلاسفه، در مرحله اول پایبندی او به آموزه‌های دینی بر اساس دیدگاه مذهبی او دانست و شافعی مذهب بودن و اشعری مسلکی او را به مخالفت با وارد شدن مباحث عقلی و براهین در دین گردیده است. البته برای تعریف عقل و عقل‌گرایی لازم است معانی مختلف عقل‌گرایی مورد بررسی قرار گیرد و عقل‌گرایی مورد نزاع ما در مبحث ستیز غزالی از میان سایر عقل‌گرائیها، عقل‌گرایی در مقابل ظاهر‌گرایی دانسته شده است.

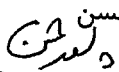
### ث. نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

۱۳۸۷ / ۸ / ۲۵

از علل ستیز ۱- پایبندی به مذهب ۲- تعقیب و پافشاری بر ظاهر آیات ۳- شافعی مذهبی و اشعری مسلکی غزالی ۴- جو یونانی مابنی بر جامعه و عقل‌گرایی افراطی ۵- برخورد ناشایست عقلگرایان جامعه اسلامی با عامه مردم ۶- و در برخی موارد انگیزه‌های مادی می‌توان نام برد که البته پیشنهاد می‌شود که در برخورد و موضع‌گیری در برابر آراء افراد ابتدا شخصیت و جو حاکم بر آنها مورد بررسی قرار گیرد و میزان تأثیرپذیری آنها از افراد جامعه خویش نیز تا حدودی اندازه‌گیری شود و بعد از آن به داوری در برابر افراد پرداخته شود و این مسئله نیاز به مطالعه و حوصله فراوان دارد که تأثیر قضاوت صحیح انجام گیرد و در مرحله بعد به انتقاداتی که بر خلاف این داوری شده پاسخ داده شود.

صحت اطلاعات مندرج در این فرم بر اساس محتوای پایان نامه و ضوابط مندرج در فرم را گواهی می‌نمایم.

نام استاد راهنما: قاسم پورحسین



سمت علمی: استاد

نام دانشکده: ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی

رئیس کتابخانه:

تقدیم به عدالت گستر جهان،

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

و مادر بزرگوارشان حضرت فرجس سلام الله علیها

## چکیده:

رساله‌ی حاضر با عنوان غزالی و ستیز با فلاسفه در ۴ فصل تنظیم شده است و هدف از این رساله نیز بررسی اسباب مخالفت برخی متکلمین در قرون چهارم و پنجم با فلسفه و فلاسفه به طور عام و علت مخالفت غزالی با فلسفه به طور خاص می باشد با بررسی وضعیت فکری و سیاسی حاکم در عصر غزالی و جریانهای فکری موجود و مواضع متکلمین در زمان حیات وی و نابسامانیهای سیاسی و مواضع سلاطین و خلفا در آن زمان و همینطور جایگاه خلیفه و موضع آن در مقابل سلطان می توان، علل مخالفتها را به طور کلی چند مورد برشمرد. از جمله علتها ستیز، عقل گرایی افراطی حاکم بر جامعه که وام گرفته از یونان به شمار می رفت - که این مورد رابطه‌ی عقل و دین و پیوستگی آنها را مورد سؤال قرار داده - بود. که در دیدگاه متکلمین که در مقام دفاع از دین قرار داشتند برای حفظ دین و جلوگیری از دستخوش استدلالات عقلی قرار گرفتن آنها بود که این نظریات برای رساله به شکل مبسوطتری از دیدگاه متکلمین مورد بررسی قرار گرفته است.

از دیگر عوامل مخالفت برخی متکلمین، می توان انگیزه های مادی نیز نام برد که در طول تاریخ، برخی از متکلمین با مخالفتشان با فلسفه مورد تشویقهایی از طرف خلفا قرار می گرفتند. غزالی درصدد بود که در کتاب معروف خود تناقض گوئیهای فلاسفه را بنمایاند. لذا بزرگترین کتاب ضد فلسفه‌ی خود را با عنوان تهافت الفلاسفه نگاشت.

او برخلاف فلاسفه اعتقاد به حدوث عالم دارد نه قدمت آن و در این زمینه ۴ اشکال بر فلاسفه کرده و به آنها پاسخ می گوید. در زمینه علم خداوند به جزئیات نیز غزالی برخلاف فیلسوفان اعتقاد دارد که خداوند عالم به عالم است و علم او علت فیضان کل عالم است. و فاعل بودن او به هم چیز زائد بر عالم بودن او به همه چیز نیست و در کل از بیانات او برمی آید که علم او به اشیاء از بیرون گرفته نشده چون اگر از بیرون گرفته شده باشد لازم می آید که واجب، کمالی را از خارج دریافت کرده باشد.

به طور کلی در چارچوب فلسفی خداوند نه تنها از رویدادهای هر حادثه ای در زمان آگاه است بلکه از ازل به آن علم داشته باشد مثلا خداوند زید را هم به جزئیت هم به شخصیت می شناسد و هم علم مطلق و ازلی به وجه کلی دارد و دیدگاه فیلسوفان دو اشکال اساسی دارد اول اینکه این تحلیل از علم فاصله ژرف میان انسان و خدا برقرار می کند و مشکل دوم اینکه علم ازلی و کلی خداوند به حوادث جزئی یک نظام جبری و ضروری فلسفی به خاطر می آورد.

کلید واژگان: معتزله، عقل، دین، تناقض، علم، حدوث، قدم.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	فصل اول: کلیات.....
۲.....	طرح مسئله.....
۶.....	اهمیت مسئله.....
۱۱.....	پیشینه تحقیق.....
۱۳.....	خلاصه چند اثر نام برده در پیشینه.....
۱۷.....	فرضیات.....
۱۷.....	سوالات.....
۱۸.....	روش تبویب و فصل بندی.....
۲۴.....	فصل دوم: دلایل مخالفت متکلمین با فلسفه.....
۲۵.....	مقدمه.....
۲۷.....	گفتار اول: ظهور فلسفه در جهان اسلام.....
۲۷.....	- تاریخ درخشش علم.....
۲۷.....	- آغاز نهضت ترجمه.....
۲۸.....	- ظهور مخالفین علوم عقلی.....
۲۹.....	- موضع غزالی و مخالفین در برخورد با فلسفه.....
۳۱.....	گفتار دوم: جریان مخالفت با عقل ورزی و فلسفه.....
۳۱.....	- اهمیت موضوع مخالفت با فلسفه.....
۳۲.....	- مذهب اشعری و مخالفت با فلسفه.....
۳۳.....	الف: غزالی و فلسفه یونان.....
۳۴.....	ب: غزالی و تهافت الفلاسفه.....



گفتار سوم: بررسی وضعیت سیاسی-اجتماعی عصر غزالی و تاثیر آن بر مخالفت غزالی با

فلسفه..... ۳۶

- رابطه نهاد خلافت و سلطنت در سده های چهارم و پنجم..... ۳۸

- سلاطین سلجوقی و تعصبات مذهبی..... ۳۸

- خلیفه بغداد و رابطه او با سلاطین و فرقه های مذهبی دیگر..... ۳۹

- تدبیر سلطان سلجوقی جهت تثبیت موقعیتش در برابر خلیفه..... ۴۱

- ظهور دولتمرد قدرتمند و برخوردش با مخالفین سلطان..... ۴۲

- خواجه نظام الملک و مهمترین وقایع دوران ملکشاه..... ۴۳

- خلیفه و موقعیت غزالی در به رسمیت شناختن سلطان..... ۴۴

- اوضاع سلجوقیان، خطر فاطمیون و طلیعه جنگ های صلیبی..... ۴۶

- تطبیق حوادث سیاسی-اجتماعی با حیات غزالی..... ۴۷

- بررسی موضع غزالی در قبال خلافت و سلطنت..... ۴۸

گفتار چهارم: متکلمین و مخالفت با فلسفه و تاثیر آن بر مخالفت های غزالی..... ۵۰

- مهمترین جریان کلامی عصر غزالی..... ۵۱

- مرحله بندی علم کلام در طول تاریخ اسلام..... ۵۲

- معتزله و برخورد آنها با علوم رایج و شروع عقل گرایی..... ۵۳

- شروع افکار اشاعره و گرایشات ظاهری..... ۵۵

گفتار پنجم: چیرگی اندیشه اشعری و تاثیر آن بر غزالی..... ۵۶

گفتار ششم: غزالی و انگیزه های او در مخالفت با فلسفه و فلاسفه..... ۵۸

فصل سوم: رابطه عقل و دین در سده های چهارم و پنجم هجری

قمری..... ۶۲

مقدمه..... ۶۳

گفتار اول: معرفت شناسی دین..... ۶۵

گفتار دوم: نزاع عقل و دین و دیدگاه غزالی..... ۶۶

- گفتار سوم: دین و فلسفه و تهافت الفلاسفه ..... ۶۷
- گفتار چهارم: انواع عقل گرائی و چگونگی برخورد ظاهر گرایان ..... ۶۹
- الف: عقل گرائی در برابر تجربه گرائی ..... ۶۹
- ب- عقل گرائی در برابر ظاهر گرائی و موضع غزالی و ظاهر گرایان ..... ۷۰
- ج- عقل مورد نزاع خرد گرایان و خرد ستیزان ..... ۷۰
- ۱- ابن حزم و رابطه عقل و دین ..... ۷۱
- ابن حزم و درک مسائل فلسفی ..... ۷۲
- ابن حزم و مباحث فقهی ..... ۷۳
- تقسیم بندی مردم از نظر اعتقادات در نظر ابن حزم ..... ۷۴
- تعریف فلسفه از دیدگاه ابن حزم و رابطه آن با دین ..... ۷۵
- ۲- عقاید و آراء ابن جوزی در خصوص رابطه عقل و دین ..... ۷۷
- ابن جوزی و درک مسائل فلسفی ..... ۷۸
- ابن جوزی و رابطه آن با فقه ظاهری ..... ۷۸
- ابن جوزی و رابطه عقل و دین ..... ۷۹
- ۳- سیف الدین آمدی و عقائد او در مقایسه با اندیشه غزالی ..... ۷۹
- سیف الدین آمدی و درک مسائل فلسفی ..... ۷۹
- سیف الدین آمدی و رابطه فلسفه و دین ..... ۸۰
- برخورد سیف الدین آمدی با برخی قواعد فلسفی ..... ۸۰
- ۴- ابن تیمیه و افکار او در مقایسه با غزالی ..... ۸۳
- انواع و وظایف عقل نزد ابن تیمیه ..... ۸۵
- نزدیکی ابن تیمیه به مکتب اعتزال ..... ۸۶

- گفتار پنجم: معروف ترین پیروان اندیشه عقل گرایی..... ۸۷
- گفتار ششم: واکنش ظاهر گرایان در برابر خرد گرایان (معتزله) و موضع عقل گرایان... ۸۹
- گفتار هفتم: چگونگی شکل گیری مذهب عقل گرایانه..... ۹۰
- گفتار هشتم: علل انحطاط عقل گرایان جها اسلام..... ۹۲
- گفتار نهم: تعریف و ارزش عقل و رابطه آن با دین نزد غزالی..... ۹۴
- گفتار دهم: تاثیر غزالی بر کلام اشعری بعد از خود..... ۹۴
- نتیجه..... ۹۶

### فصل چهارم: حدوث و قدم عالم و علم خدا بر جزئیات از دیدگاه ابن سینا و

- غزالی..... ۹۸
- مقدمه:..... ۹۹
- گفتار اول: تقسیم بندی تهافت الفلاسفه غزالی..... ۱۰۰
- گفتار دوم: مسئله حدوث و قدم عالم:..... ۱۰۱
- الف: موضع متکلمین در مسئله حدوث و قدم عالم..... ۱۰۲
- برهان شهرستانی در حدوث عالم..... ۱۰۴
- برهان بغدادی در مسئله حدوث عالم..... ۱۰۵
- برهان اول ابن حزم بر حدوث عالم..... ۱۰۵
- برهان دوم ابن حزم بر حدوث عالم..... ۱۰۶
- برهان جوینی بر حدوث عالم..... ۱۰۶
- ب- دلایل فلاسفه بر قدم عالم..... ۱۰۶
- دلیل اول فلاسفه بر مسئله قدم عالم..... ۱۰۷
- پاسخ غزالی به اشکال اول فیلسوفان..... ۱۰۷
- دلیل دوم فیلسوفان بر قدم عالم..... ۱۰۸
- پاسخ غزالی به اشکال دوم فیلسوفان..... ۱۰۸

- دلیل سوم فلاسفه بر بر قدم عالم..... ۱۰۹
- دلیل چهارم فلاسفه بر قدم عالم..... ۱۰۹
- پاسخ غزالی به دلیل سوم و چهارم..... ۱۱۰
- گفتار سوم: بقا و فنا در دیدگاه اشاعره..... ۱۱۰
- گفتار چهارم: تبیین علم الهی به جزئیات عالم..... ۱۱۳
- گفتار پنجم: علم از دیدگاه حکمای مشاء و ابن سینا:..... ۱۱۳
- نتیجه:..... ۱۱۹
- نتیجه گیری..... ۱۲۱**
- فهرست منابع..... ۱۲۳

# فصل اول

## کلیات

## طرح مسئله

شرح عقاید اشاعره بدون بررسی اندیشه های فلسفی کلامی از ابو حامد محمد غزالی (متوفی در ۵۰۵ هجری) پژوهشی نا تمام است. غزالی شکاک توانایی بود که پیش از دکارت به روش فکر کردن اندیشید، هفتصد سال قبل از هیوم با لبه تیز شیوه جدلی خود قید علیت را گسست. نخستین کسی است که کتاب منظمی در رد فلسفه نوشت و متشرعان را از ترسی که نسبت به اهل فلسفه داشتند آزاد کرد: نفوذ او سبب شد که از آن پس مطالعه معارف دینی با مطالعه فلسفه همراه شود و زمینه نظام آموزشی شامخی که بزرگ مردانی چون ابوالفتح تاج الدین شهرستای و محمد زکریای رازی و شهاب الدین سهرودی به بار آورد، هموار گردد.

در گذشته مخالفت های شدیدی با فلسفه و فیلسوفان شده که برخی از این مخالفتها جنبه مذهبی داشته است. اینان تصور می کردند فلسفه راه مذهب را منحرف می کند. گروهی معتقدند که فلسفه اسلامی باید از قرآن و روشهای علمی پیامبر اخذ شود. فلسفه واقعی و حقیقی اسلام را نباید نزد ابن رشد و ابن سینا و فارابی و امثال آنها از کسانی که اسم فلاسفه اسلام بر آنها اطلاق می شود جستجو کرد. فلسفه اینان همه سایه هایی از فلسفه یونان است که به حسب حقیقت با روح اسلام بیگانه است (گرامی، محمد علی، بی تا، ص ۱۷)

در مقدمه اسفار از اینکه عده ای تبلیغات مسموم به راه انداخته اند که فلسفه بدعت است، ابراز ناراحتی می کنند متفکر مورد تحقیق ما - غزالی - در کتاب «تهافت الفلاسفه» ۲۰ مسئله از عقاید مختلف فلاسفه را مورد نقد و جرح قرار داده که در سه مسأله قدم عالم، علم خداوند و انکار معاد جسمانی فیلسوفان اسلامی خاصه ابن سینا را تکفیر می کند.

جریان مخالفت با فلسفه با توجه به نوع معارف بشری رایج در هر روزگار صورتهای مختلف به خود گرفته، و شکل رایج آن در قرنهای چهارم و پنجم و ششم در شکل تعارض فلسفه و دین، جلوه گر شده است. گروهی از دینداران در پیراستن دامن دین از آلودگیهای فلسفی کوشیده اند.

پرداختن به اندیشه های غزالی از این جهت اهمیت دارد که او با نوشتن «تهافت الفلاسفه» سعی بر آن دارد که از تعارض میان آموزه های فلسفی و معارف دینی پرده بردارد و ابن تیمیه نیز با نوشتن کتاب «نصیحه اهل الایمان فی الرد علی المنطق یونان» مؤمنان را از پیروی از منطق یونان

برحذر می دارد. شاگرد ابن تیمیه نیز اینگونه با فلسفه و منطق ستیزان هم نوا می شود که آموزه های آنان دارای پایه های لرزان است؛ (ابن قیّم الجوزیه ۱۴۱۴، ص ۸۹). انگیزه های مخالفت غزالی با فلسفه دلایل گوناگونی داشته است؛ ولی این مخالفتها با هر انگیزه ای که اتفاق افتاده باشد باز هم نمی توان گفت غزالی یک متفکر نبوده است. بسیاری اعتقاد دارند که غزالی به سبب آنکه نابغه ای ذوالفنون و در علوم عقلی همچون منطق و کلام دقیق النظر و باریک اندیش بوده لذا نمی توانست مخالف اصل عقل اندیشی فلسفی باشد.

لذا قبل از هر چیز تحقیقی سه ساله در فلسفه انجام داد و بهترین تلخیص از فلسفه رایج عصر خویش را به نام «مقاصد الفلاسفه» نگاشت که به لاتین نیز ترجمه شد (حسینی کوهساری؛ ص ۱۲۵). مسئله ای که در اینجا مهم می نماید و در این تحقیق از آن دیدگاه به آن پرداخته شده است، مذهب غزالی است. با توجه به مطالعه آثار غزالی، نگارنده به این نتیجه رسیده است که به این اندیشمند باید از دیدگاه کلامی نگریسته شود چون مهمترین عامل در انگیزه مخالفت وی مذهب و مسلک وی است گرچه در این رساله قصد بر این است که تمام انگیزه ها بیان شود ولی با تأمل و دقت در آنها همه آنها به نوعی به مذهب او باز می گردد.

در هر حال اینگونه اندیشه ها در جهان اسلام آرام و بدون کشمکش صورت پذیرفته و در هر برهه ای از زمان با نوعی مخالفت و خصومت روبرو بوده است تردیدی نیست که این تغییر و تحول تحت تأثیر عوامل مختلف و مسائل سیاسی و تحولات اجتماعی در مخالفت یا موافقت با اندیشه های فلسفی نقش عمده و اساسی داشته است.

بسیاری از کسانی که با فلسفه خصومت داشته اند آگاهانه یا بدون آگاهی تحت تأثیر یکی از جریانهای سیاسی بوده یک منبع قدرت نیز آنان را تأیید می کرده است درست است که اشخاص مانند ابو حامد غزالی و علاء الدین طوسی بر اساس انگیزه های دینی دست به قلم گرفتند و هر کدام در فاصله های مختلف و به طور جداگانه به نوشتن کتابهای تحت عنوان «تهافت الفلاسفه» مبادرت کرده اند، ولی هم غزالی با نظامیه بغداد و سیاست سلجوقیان ارتباط داشت و هم علاء الدین طوسی زیر نفوذ و سیطره خلافت عثمانی بود.

این موارد اختصاص به فلسفه و مخالفان و طرفداران آن ندارد بلکه هریک از جریان های رایج کلامی نیز به نوعی با مسایل سیاسی و تحولات اجتماعی ارتباط پیدا می کند. پیدایش دو نحله کلامی اشعریت و اعتزال نیز از این قاعده مستثنی نبوده است.

قصد این رساله بیان چگونگی شکل‌گیری و روند مخالفت با فلسفه نیست آنچه در اینجا مورد توجه قرار گرفته، تأثیر عوامل مختلف تاریخی سیاسی و اجتماعی و همینطور تأثیر فرقه‌های کلامی بر اندیشه‌های فردیست که او را یکی از مخالفین فلسفه می‌خوانند.

در طول تاریخ در میان ادیان مختلف جهان همیشه گروهی لزوم تعبد به ظواهر متون دینی را از بدیهیات می‌دانستند. در اسلام، بعد از «ابن تیمیه» ابن حزم کتابی بر ردّ الکندی نوشت. که البته با توجه به سال وفات ابن حزم (۴۵۶ هـ ق) و تولد غزالی (۴۵۰ هـ ق) نمی‌توان گفت که غزالی آن کتاب را حتی دیده باشد و از او متأثر باشد.

بسیاری از فقها و محدثین، علوم اوایل به خصوص فلسفه را در رویارویی آشکار بادیانت و شریعت می‌دیدند. سؤال اساسی این بود که عقل تا کجا اجازه دخالت دارد آیا عقل مجاز است تمام مشکلات را با تأویل و تفسیر دین حل کند؟ با این همه در موارد اختلاف آشکار که دلایل عقلی به رد مسلمات مذهبی می‌انجامد پاره‌ای عقل را خطا کار و عقول بشری را از ادراک حقایق ربوی کوتاه و قاصر دانسته‌اند (همایی؛ جلال‌الدین، بی تا؛ ص ۵۳)

برخی بر طبل عقلگرایی کوبیده، اندیشه بی‌نیازی از دین را در سرپرو رانده‌اند؛ این اندیشه، نخستین بار در شرق آسیا توسط برهمنیان هندی مطرح شد. آنان خرد بشری را برای اداره جامعه کافی پنداشته و عقیده داشتند که انسان عاقل، نیازی به وحی و رهبران الهی ندارد؛ زیرا ره آورد دین یا مخالف عقل است یا موافق آن؛ اگر مطابق عقل است دیگر نیازی به وحی نیست و اگر مخالف عقل باشد، مردود است. زیرا عقل بشری به آنها دسترسی ندارد و در عین حال دانستن آنها برای انسان نیازی ضروری است (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۱).

البته آشنایی با سنتها و تفکرات دینی و عقلی متفکرانی مثل غزالی می‌تواند زمینه‌ساز شناخت بسیاری از مسایل که پیش رو داریم نیز می‌باشد. فهم در گذشته در درک موقعیت و چگونگی وضعیت کنونی ما ضروری است و چه بسا که در چشم‌اندازی از آینده به کار آیند (قادری؛ حاتم، ۱۳۷۰؛ ص ۴).

بنابر آنچه گفته شد اهمیت بررسی اندیشه غزالی از دو نظر قابل بررسی و تأمل است. از یک نظر غزالی یک متفکر مسلمان است و به این ترتیب جزیی جدایی‌ناپذیر از گذشته‌ی اندیشه مسلمانان محسوب می‌شود و موضع خاص خویش را در مقابل فلسفه و دین بیان می‌دارد که در خور تأمل است و تأثیرات غزالی از جامعه و عصری که در آن زندگی می‌کرد و ایضاً تأثیراتی که بر جای گذارد، شایسته آن هست که صفحاتی را به خود اختصاص دهد.



دومین نظر و زاویه اهمیت بررسی آن است که غزالی به مثابه یک ایرانی، تاریخ گذشته ما را از خود متأثر ساخته است.

زادگاه او شهر طوس است. طوس شهری است که یاد آور بزرگانی چون خواجه نصیر الدین طوسی و خواجه نظام الملک می باشد و اهمیت آن از آنجاست که غزالی یک ذخیره در پیشینه و گذشته فکری- فرهنگی ایران است. از این رو برای شناخت شخصیت غزالی لازم است پیرامون اشخاصی که در جهت گیری فکری او نقش داشتند همین طور وضعیت سیاسی- اجتماعی وی و نیز افکار و عقایدش از روی آثار و نحوه اندیشیدن او به بررسی پردازیم.

## اهمیت مسئله

این موضوع که اندیشه‌های یک فرد، تحت تأثیر چه عواملی قرار می‌گیرد، از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد. نحوه اندیشیدن بزرگان در طول تاریخ، اثر قابل توجهی بر افکار متأخران می‌تواند داشته باشد به نحوی که این اثر ممکن است بر اساس تفکری خاص، یک جریان فکری بزرگ را به وجود آورد و تا قرن‌ها بر اندیشه‌های بعدی تأثیر گذارد بعید نیست که این تفکر در طول مدت شکل‌گیری دستخوش تحولاتی نیز گردد. که حتی از مسیر اولیه خارج گردد که ثمره آن در نتیجه‌های داوریه‌ها و قضاوت‌ها در مورد آن دانشمند ظاهر می‌گردد.

غزالی از معدود دانشمندانی است که مورد داوریه‌های متضادی قرار گرفته که در پی این داوریه‌ها تفکر او در نظر متأخرین بحث بر انگیز است. در اینجا ما غزالی را یک متکلم اشعری شناختیم که عقایدش بر افکارش اثر می‌گذارد. ولی آیا او اشعری بود و یا اینکه اشعری ماند؟ گویا غزالی مذهب اشعری را فقط برای توده‌ها شایسته می‌دید. مطابق نوشته‌های «شبلی» «غزالی» معتقد بود که سرآیمان را نمی‌توان مکشوف کرد. به این دلیل خواستار ترویج الهیات اشعری بود و با ابرام فراوان شاگردان بلافصل خود را از انتشار نتایج تفکر اختصاصی‌ش بر حذر داشت این اصرار او در استعمال مصطلحات فلسفی، مشرعان را بدو بدگمان کرد. «ابن جوزی» و قاضی عیاض و برخی از حکمای مشرع نامدار علناً او را گمراه خواندند حتی قاضی عیاض از این حد نیز پیش رفت و فرمان داد که همه آثار فلسفی و دینی غزالی را در سراسر اسپانیا نابود گردانند.

غزالی تمایلات و توجهات روحی و عقلی عصر خویش را از نظر گذرانند و در آنها سیر کرد و آنان عبارت بودند از متکلمان فیلسوفان صوفیان و باطنیان.

غزالی به علم کلام نظر کرد و دریافت که مقصود از این علم نگهداری عقیده و حفظ آن از پریشان کاریهای بدعت است. اما زمانیکه در براهین اهل کلام دقت شد، دلایل آنان به نظر او ناچیز آمد و بر این باور شد که جای شک و تردید در بسیاری از آراء آنان باقی است. در خود یک نوع میل بسیار به مذهب صوفیان احساس کرد. او جای گرفتن عقیده در دلش «مدیون مذهب آنها است و در اثر آن می‌توانست بگوید که آنچه را متکلمان می‌کوشند به وسیله نظر عقلی به آن برسند او به ذائقه روح خود می‌چشد (I.J.DeBocr؛ عباس شوقی؛ ص ۱۹۸).

غزالی میان نظریه‌های طبیعی و الهی بیشتر توجه خود را به باطل ساختن سه نظریه فلسفی مصروف می‌سازد.

تحقیقات قابل توجهی در مورد غزالی به انجام رسیده که معلوم می شود که او مورد توجه فیلسوفان غربی قرار گرفته از قبیل کارها م. ب. مکدونالد (M. Bacdonald) مردی که به شناساندن دین اسلام کمک ارزنده ای نمود (لائوست، هانری، مهدی مظفر، ص ۵).

ج. اوبرمن، که به جنبه باطنی غزالی توجه داشته و ساختمان فکری غزالی را بر اساس آثار خاص، احیا، و مورد مطالعه و تعبیر قرار داده است.

محقق دیگری به نام ا. ج. ونسینک (A. J. Wenzick) در کتاب کوچکی که از اثر اوبرمن جدی تر است می کوشد تا رابطه بین سه نظام بزرگ کلامی، فلسفی قرون وسطای شرق، یعنی مسیحیت، اسلام و مکتب نوافلاطونی به جایگاه ویژه نظام فکری غزالی اشاره کند (همان؛ ۶ و ۵). فرید جبر (F. Jabr) نیز یکی از متخصصان عالیقدر غزالی در تحقیق جدید خود به مسئله دقیق غزالی از جهت ریشه های روانی و تاریخی آن تخصیص داده است.

مونت گمری وات (Monty yomerywalt)، یکی از متخصصان بزرگ آثار غزالی از تحقیقات مقدماتی خود درباره تحول فکری به نتایجی رسیده است.

در میان فلاسفه ایرانی نیز گروهی غزالی را به عنوان یک روحانی و یک مرد سیاسی می شناسد که در این میان او را به عنوان «مرد سیاسی» شکست خورده و به عنوان «روحانی» باقی مانده است.

در «ضرورت طرح مسئله» بیان شد که ما غزالی را از دیدگاه یک متکلم می نگریم یعنی متکلم بودن را به عنوان یک اصل می پذیریم ولی این بحث این جا اهمیت دارد که در مقام رد فلسفه آیا می توان غزالی را یک فیلسوف معرفی کرد یا خیر؟

در اینکه غزالی فلسفه را به خوبی می دانسته کوچکترین تردیدی نیست که حتی بر این ادعا می توان دلایلی را اقامه کرد

غزالی در کتابش «الْمُنْقِذُ مِنَ الضَّلَالِ» (ص، ۱۷-۱۳) می گوید در پی یافتن حقیقت به مطالعه فلسفه روی آوردم زیرا به خوبی می دانستم که به فساد و بطلان هیچ علمی نمی توان پی برد، مگر اینکه از کنه آن علم درست با خبر شویم و خود را به پای بزرگترین علماء آن فن بلکه بالاتر از آن رسانیم. تدریس فلسفه در نظامیه نیشابور کواهی بر این مدعاست. غزالی معترف است که فلسفه را از علم و استاد نیاموخته، بلکه خود به مطالعه آن همت گمارده است و به مدت دو سال به تمام رموز آن آشنا شده و یک سال نیز به تفکر و تأمل در مسائل آن پرداخته است. که البته باید گفت برای فردی چون غزالی با آن سابقه طولانی در مباحثات کلامی و علوم نقلی

فراگرفتن فلسفه در این مدت نباید چندان دشوار باشد البته گفته شده غزالی اگر فلسفه را از استاد فرا می گرفت از شدت حملاتش به فلسفه می کاست (حلبی، علی اصغر؛ ص ۲۱؛ ۱۳۶۴). اگر این سخن هم درست باشد باز هم ناقض این نیست که وی فلسفه را به خوبی می دانسته است.

دومین و بزرگترین دلیل بر اینکه فلسفه را به خوبی می دانسته کتاب «مقاصد الفلاسفه» وی است که در واقع خلاصه ای از آراء فلاسفه ای چون «بو علی» و «فارابی» را در موضوعات مختلف فلسفه گرد آورده است. این کتاب در سال ۵۴۰ق/ ۱۱۴۵م به وسیله دو مینکوس به زبان لاتین ترجمه شد و به نام منطق و فلسفه غزالی در غرب مشهور شد (کوربن، هانری؛ ۱۳۵۲؛ ص ۷-۲۲۶).

با این کتاب غزالی سالها در نظر مدرسیان لاتینی به عنوان فیلسوفی همردیف با فارابی و ابن سینا مطرح گشت و در معرض مشاجرات و مناقشاتی که بر ضد فیلسوفان غربی به عمل می آمد قرار گرفت. توماس اکوئناس و آلبرت کیبر و رابرت بیکن نام مؤلف مقاصد الفلاسفه را همراه با بو علی و ابن رشد ذکر کرده اند (م.م شریف؛ ۱۳۶۵؛ ج ۲؛ ص ۵۲).

از این سخنان فهمیده می شود که «مقاصد الفلاسفه» غزالی نشان دهنده علم وی به فلسفه است. سومین دلیل بر اینکه با روش فکر کردن و اندیشیدن آشنا بوده است رسالاتی است که وی در منطق نگاشته است؛ «معیار العلم فی المنطق» یک رساله کاملاً استادانه می باشد. بدون شک تأثیر غزالی در اسلام عمیق بوده و ۹۰۰ سال است که کتابهای او را مسلمانان از مغرب آفریقا تا اقیانوسیه مطالعه می کنند و مخالفان و موافقانی هم برای خود در طول تاریخ داشته است غزالی و فخر رازی از آن نظر که به مخالفت با، فلسفه و فلاسفه و عقل گرایی برخاستند و بر ضعف و رنجوری خرد و فلسفه پای فشردند و دوره ای از ظاهر گرایی را سبب شدند، قابل پژوهش هستند.

در هر حال برای درک و فهم بیشتر غزالی باید به روشی غیر از آن که غالباً مورد استفاده قرار گرفته تمسک جست و آنچه اهمیت موضوع را دو چندان می کند شناخت موقعیت سیاسی کلی اوست گرچه شناخت کامل و دقیق آن به دلیل شخصیت پیچیده/ غزالی ممکن نیست ولی شاید حوادث بسیار مهم و روشنی که موقعیت غزالی را تحت تأثیر قرار داده اند، بتوانند به شناخت او کمک کنند.

لذا بدور از پژوهش علمی است چنانچه بخواهیم به صرف انتقادهای برخی محققان به قضاوت در مورد آراء غزالی بنشینیم. باید دید، نظر منتقدین تا چه اندازه مورد اهمیت است و آیا